

ریاضه

••

عبدالحییم کارگر

www.ketab.ir



سرشناسه	: کارگر، عبدالرحیم، ۱۳۴۶
عنوان و نام پدیدآور	: ربابه / نویسنده عبدالرحیم کارگر
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۴۰۳
مشخصات ظاهری	: ۸۶ ص.
شابک	: ۳ - ۲۹۵ - ۳۱۷ - ۶۲۲ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: Persian fiction - 20 th century
رده‌بندی کنگ	: PIR ۸۳۵۸
رده‌بندی دیویی	: ۸۳۱/۶
شماره کتابخانه ملی	: ۹۹۰۵۸۸۸



ربابه

عبدالرحیم کارگر

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۴۰۳

چاپ صدف: ۵۰ نسخه

۱۲۵۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.arvannashr.ir

ISBN 978 - 622 - 317 - 295 - 3

به نام خدا

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۷	بخش اول: کودکی ربابه
۱۴	بخش دوم: گم شدن ربابه و پرت شدن او
۱۸	بخش سوم: فرهاد و یافتن ربابه
۲۳	بخش چهارم: جرعه‌ی عشق
۲۸	بخش پنجم: تهمت‌های ناروا
۳۳	بخش ششم: رابطه پنهانی فرهاد و ربابه
۳۸	بخش هفتم: دخالت کدخدا
۴۳	بخش هشتم: دیدار دوباره‌ی فرهاد و ربابه
۴۸	بخش نهم: برگشت کریم از بحرین
۵۴	بخش دهم: نشست بزرگان روستا
۶۰	بخش یازدهم: برپایی جشن و سور و سات
۶۶	بخش دوازدهم: فرار عروس بی‌قرار
۷۱	بخش سیزدهم: پس‌لرزه‌های فرار عروس
۷۵	بخش چهاردهم: پیدا شدن ربابه، رفتن کریم به بحرین و قبولی فرهاد
۸۱	بخش پانزدهم: پایان یک تراژدی

مقدمه

قصه‌ها، مثل‌ها و خاطرات آیینی تمام‌نمای سرگذشت مردمی است که طی قرون متمادی در کنار هم زیسته‌اند و حکایاتشان شفاهی و سینه به سینه به نسل‌های بعد منتقل گردیده است.

داستانی که قصد دارم طی چند تسمت بنویسم مخاطبین گرامی نمایم ملهم از زندگی زادگاه بنده می‌باشد و حتی اسامی اماکن نیز مربوط به همان محیط جغرافیایی است که سعی کرده‌ام آداب، رسوم، نوع زندگی و باورهای مردم را در بازه‌ی زمانی دهه‌های چهل و پنجاه خورشیدی در قالب داستان به تصویر بکشم.

قصه مربوط به دختری به نام ربابه می‌باشد که در آن فرهنگ جغرافیایی رشد و نمو می‌کند. در آنجا زاده می‌شود، مدرسه می‌رود و از درس محروم می‌ماند. بزرگ می‌گردد و عاشق می‌شود؛ به حلقه‌ی باورها و سنت‌ها زنجیرش می‌کنند؛ ولی به همراه فرهاد تابوها را می‌شکنند و زنجیر بردگی سنت را پاره می‌کنند.

هدف من انتقال این نوع زیستن به نسل جدید و نسل‌های بعد می‌باشد که امیدوارم روزی همه‌ی خاطراتم و این قصه‌پردازی‌ها که

بیشتر سوژه‌هایش از محیط زادگاهم گرفته‌ام را مکتوب نمایم تا آیندگان بهتر و بیشتر از زندگی اسلاف خود آگاه شوند.

مولوی در دفتر دوم مثنوی چنین می‌گوید:

ای برادر قصه چون پیمانه است معنی اندر وی بسان دانه است
دانه‌ی معنی بگیرد مرد عقل ننگرد پیمانه را گر گشت نقل

www.ketab.ir